

چوب لای چرخ سانتریفیوژ

فرا تحلیل توافقنامه‌ی ژنو با نگاه واقع بینانه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

■ چوب لای چرخ سانتریفیوژ!

■ فراتحلیل توافقنامه‌ی ژنو با نگاه واقع‌بینانه

مقدمه

برای آنکه بتوان تصویری جامع از شرایط پیش رو ارائه کرد، نگاهی اجمالی نسبت به آنچه گذشت الزامی به نظر می‌رسد. با انتخاب دکتر روحانی به ریاست جمهوری اسلامی ایران، موجی از اظهارنظرهای موافق و مخالف در ارتباط با وضعیت آینده‌ی ایران در حوزه‌های مختلف و از جمله سیاست خارجی، فضای رسانه‌ای و حتی رسمی داخل و خارج از کشور را به خود اختصاص داد. از سوی دیگر، پیگیری و به سرانجام رساندن پرونده‌ی هسته‌ای ایران، که در طول یک دهه‌ی گذشته در کانون مباحث مربوط به کشورمان قرار داشت، از مهم‌ترین موضوعات وعده‌داده‌شده توسط ایشان در طول رقابت انتخاباتی به شمار می‌رود.

تأکید ایشان بر «چرخش چرخ‌های کارخانه‌ها» در کنار «چرخش سانتریفیوژهای صنعت هسته‌ای»، نشان از این نکته داشت که دکتر روحانی و تیم مشاوران ایشان، بهبود وضعیت اقتصادی را در پیوند مستقیم با حل‌وفصل پرونده‌ی هسته‌ای می‌دانند.

انتخاب دکتر ظریف، به عنوان کسی که در پرونده‌ی کاری وی، سابقه‌ی مدیریت پرونده‌ی هسته‌ای ایران نیز به چشم می‌خورد، به وزارت امور خارجه و همچنین سخنرانی‌ها و سطح بالای مراودات دیپلماتیک با کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و وزرای امور خارجه ۱+۵ در سفر به نیویورک و مذاکره با مقامات آمریکایی در حاشیه‌ی اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، شرایط را برای ورود به موضوع هسته‌ای با مذاکره‌کنندگان جدید و روشی تازه، فراهم کرد.

مذاکرات «ژنو»، که در ادبیات دولت و حامیانش به «ژنو» معروف است، در روزهای ۲۳ و ۲۴ مهرماه ۱۳۹۲ انجام شد. در این مذاکرات، که اولین دور از مذاکرات هسته‌ای دولت جدید به شمار می‌رود، جمهوری اسلامی چارچوبی را پیشنهاد کرد که شامل اهداف، گام اول و گام آخر یک فرآیند کامل مذاکراتی بود.

در دور بعدی مذاکرات (۱۶ الی ۱۸ آبان ۱۳۹۲) آمریکا در پاسخ به بسته‌ی پیشنهادی ایران، طرحی ارائه کرد که البته بنا بر توافق طرفین، مفاد آن به شکل محرمانه باقی ماند و کارشناسان کوشیدند با بررسی گمانه‌زنی‌های رسانه‌های غربی، تحلیلی از محتوای مذاکرات ارائه دهند. در این دور از مذاکرات، که بنا به گفته‌ی طرف‌های گفت‌وگو، پیشرفت‌های مثبتی برای رسیدن به توافق حاصل شده بود، کارشکنی و مخالف‌خوانی برخی کشورها در مسیر مذاکرات، امیدها برای دستیابی به تفاهمی که بتواند واجد صفت برد-برد باشد را به باد داد. هرچند برخی تحلیل‌گران، علت اصلی مخالفت‌ها را کسب امتیاز از تیم مذاکره‌کننده‌ی ایرانی می‌دانند.

بالأخره در تاریخ ۳ آذر ۱۳۹۲، مذاکرات فشرده و پرچالش هیئت ایرانی به ریاست وزیر محترم امور خارجه و ۵+۱ به سرپرستی کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا، در ژنو منجر به امضای توافقی شد که از آن با عنوان «**برنامه‌ی اقدام مشترک**» نام برده می‌شود. مصاحبه‌های متعدد طرفین مذاکره، مخصوصاً مقامات ایران و ایالات متحده و اظهارنظرهای بعضاً متضاد آن‌ها نشان داد که سطح اختلافات تا چه حد عمیق بوده است. متنی که از همان ابتدا تفاسیر متکثری از آن ارائه شد و مواد مختلف مندرج در آن و ابهام‌آمیز بودن موضوعات پرداختی، محل بحث کارشناسان مختلف داخلی و خارجی قرار گرفت. مخصوصاً انتشار بیانیه‌ی مشترک ۵+۱ و البته متنی که کاخ سفید منتشر کرد (**fact sheet**) که به عنوان ضمیمه‌ی برنامه‌ی اقدام مشترک از آن یاد شد بر میزان انتقادات از گروه ایرانی در سطح رسانه‌ها افزود. البته در این میان، برخی رسانه‌ها نیز بدون در نظر گرفتن ابعاد موضوع و تحلیل محتوای متن مورد نظر، به حمایت یا مخالفت صد درصد با این موضوع پرداختند.

موافقین توافق فوق، با اعلام این موضوع که برنامه‌ی اقدام مشترک توانست کشور را از وضعیت «یا جنگ یا تسلیم» نجات دهد، این کار را در ادامه‌ی دیپلماسی فعال و اثرگذار دولت می‌دانند؛ اما منتقدین معتقدند متن توافق مشترک، واجد نواقصی است که در آینده، سنگ بنای پرهزینه‌ای را پایه‌گذاری خواهد کرد.

آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه‌ای از متن گزارشی راهبردی است با عنوان «**آیا توافق ژنو تهدیدی علیه ایران است؟**» که در کارگروه ویژه‌ی سیاست خارجی اندیشکده‌ی برهان در چهار فصل کلیات، مسائل فنی صنعت هسته‌ای، تحریم‌ها و دسترسی‌ها تهیه و تنظیم شده است.

این گزارش به بررسی نکات قابل تأمل مندرج در متن توافق می‌پردازد که با رویکردی انتقادی تلاش می‌کند تا موضوعات محل بحث موجود در برنامه‌ی اقدام مشترک را مورد واکاوی قرار دهد. بدیهی است گزارش مزبور، منکر دستاوردها (ستانده) و منافع این توافق برای جمهوری اسلامی ایران نبوده و زحمات تیم مذاکره‌کننده‌ی کشورمان را نادیده نمی‌گیرد. حتماً مواردی مانند پذیرش غنی‌سازی به عنوان بخشی از فرآیند هسته‌ای توسط ۵+۱، تعدیل بخشی از تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران، حفظ حق تحقیق و توسعه در امور تحقیقاتی که باعث پیشبرد صنعت هسته‌ای در بخش تحقیقات می‌شود، مطرح کردن موضوع عدم ایجاد تأسیسات بازفرآوری به عنوان یک امتیاز از ناحیه‌ی جمهوری اسلامی در حالی که اساساً برنامه‌ای برای ساخت چنین تأسیساتی را ندارد و مواردی از این دست (که نمی‌تواند از دیدگان هیچ تحلیل‌گر منصفی به دور بماند) مورد تأکید و تأیید پژوهشگران بوده است، اما باید بدانیم که این گزارش با هدف بررسی مسائل مورد تأمل مندرج در متن توافق مشترک تهیه شده است.

کلیات

۱- در حالی که طبق برنامه‌ی اقدام مشترک، از ۲۷ تعهد ایران به عنوان «اقدام داوطلبانه» یاد شده و به طور مثال کشورمان چهار امتیاز بزرگ و اصلی خود (یعنی تعلیق غنی‌سازی اورانیوم ۲۰ درصد، تعلیق غنی‌سازی بالاتر از ۵ درصد، تعطیلی رآکتور آب سنگین اراک و نظارت‌های گسترده و روزانه از تأسیسات و معادن مربوط به انرژی هسته‌ای) را در اختیار طرف مقابل قرار داد و در واقع پیشرفت هسته‌ای کشورمان را در بخش‌هایی متوقف کرده و در بخش‌هایی به عقب رانده است، ۵+۱ یازده مورد امتیاز حداقلی را به ایران واگذار کرده که با بررسی دقیق آن‌ها به نظر می‌رسد توازنی در این معامله مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر، داده‌ها با ستانده‌ها «متوازن» نیست.

۲- هم‌زمان نبودن گام‌ها نیز اشکال دیگری است که می‌توان در کلیات بحث به آن اشاره کرد. در حالی که جمهوری اسلامی گام‌های خود را برای اجرایی کردن تعهدات خود برمی‌دارد، ۵+۱ در پاسخ به گام ایران، گام‌های خود در تعلیق تحریم‌ها را برخواهد داشت.^۱

۳- با توجه به تعهدات ایران در این برنامه‌ی مشترک و اراده‌ی طرفین برای آغاز مذاکرات جامع برای دستیابی به توافقات مربوط به گام نهایی، جمهوری اسلامی با کدام ابزار چانه‌زنی، تقاضای امتیاز بیشتری نظیر لغو کلیه‌ی تحریم‌ها خواهد کرد؟ آیا با علم به اینکه دست ایران در این پرونده نسبتاً خالی شده است، طرفین به سمت سایر حوزه‌ها نظیر سوریه، حقوق بشر و... خواهند رفت؟^۲

۴- تعهدات جمهوری اسلامی کاملاً جزئی و موردی مطرح شده، اما تعهدات ۵+۱ کلی، مبهم و تفسیرپذیر است. به عنوان مثال، در ارتباط با پرداخت‌ها به ایران یا میزان دریافت پول بلوکه‌شده‌ی ایران در متن توافق مشترک اشاره نشده است.

۵- متن توافق مشترک با ابهامات زیادی مواجه است که می‌تواند پاشنه‌ی آشیل این متن در آینده محسوب شود. تفاسیر مختلف ایران، آمریکا یا سایر طرفین در ارتباط با موضوعاتی مثل حق غنی‌سازی، تحریم‌ها، تعریف غنی‌سازی و... نمونه‌هایی از این مورد مهم به شمار می‌رود.

۶- «در حالی که آژانس، مسئولیت راستی‌آزمایی اقدامات مربوط به موضوع هسته‌ای را بر عهده خواهد داشت»، در متن توافق، هیچ نهاد حقوقی به رفتار ۵+۱ نظارت نخواهد کرد.

۷- باید بدانیم موافقت جمهوری اسلامی با نظارت آژانس (در ارتباط با عمل به تعهدات توافق

۱. در بخشی از بیانیه‌ی پایانی جلسه‌ی وزرای خارجه‌ی کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا (۲۵ آذر ۱۳۹۲) آمده است: «اجرای فوری اقدامات عملی همه طرف‌ها اکنون موضوع کلیدی است. ایران باید تعهدات خود را با حسن نیت اجرا کند. شورا هم، در راستای نقش خود، متعهد است که گام‌های لازم را بردارد و بلافاصله بعد از آنکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجرای اقدامات مربوط به موضوع هسته‌ای از سوی ایران را تأیید کرد، تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا را که در طرح عمل مشترک به آن اشاره شده، تعلیق کند.»

۲. در همین رابطه، سایت BBC فارسی در مقاله‌ای به قلم شیرین عبادی و پیام اخوان (۴ آذر ۱۳۹۲) آورده است: «باید از مذاکرات ژنو به عنوان مسئله‌ای با دو نیمه‌ی مکمل سخن گفت: مذاکره بر سر تأسیسات هسته‌ای به عنوان یک نیمه از داستان و مذاکره بر سر حقوق بشر به عنوان نیمه‌ی دیگر. برای دستیابی به راه‌حلی کامل، پرداختن به هر دو این بخش‌ها ضروری است.»

همچنین سوزان رایس، مشاور امنیت ملی آمریکا، روز چهارشنبه ۱۳ آذر اعلام کرده است که پرونده‌ی بعدی که آمریکا قصد دارد به بهانه‌ی آن ایران را تحریم کند پرونده‌ی حقوق بشر است.

مشترک) می‌تواند ایران را علاوه بر ۱+۵، با آژانس نیز روبه‌رو کند که واجد تعهدات حقوقی فراوانی برای کشورمان خواهد بود. به این معنا که می‌تواند «اقدامات داوطلبانه»ی ایران را تبدیل به «تعهدات قانونی» کند.

۸- با توجه به اینکه ایران پذیرفته در گام اول و گام‌هایی نهایی، نگرانی‌ها را نسبت به برنامه‌ی هسته‌ای خود مرتفع کند، متن توافق صراحت دارد که تنها با اجرایی شدن گام نهایی، با برنامه‌ی هسته‌ای ایران نیز همانند برنامه‌های غیرتسلیحاتی دیگر کشورهای عضو NPT برخورد خواهد شد. با این توضیح و علی‌رغم اذعان متن توافق مشترک در ارتباط با مورد توافق بودن زمان گام بلندمدت نهایی، به نظر می‌رسد مدت زمان طولانی برای ایجاد اعتماد جامعه‌ی جهانی در نظر گرفته خواهد شد تا در پی آن، برنامه‌ی هسته‌ای ایران حالت سمبلیک پیدا کند و البته سایر امتیازات غیرهسته‌ای استیفا شود. غرب معتقد است از آنجایی که رفتار گذشته‌ی ایران اعتماد بین‌المللی نسبت به آن را از بین برده، برای احیای این اعتماد، زمان زیادی طول خواهد کشید.^۳

مسائل فنی صنعت هسته‌ای

۹- ایران در متن توافق مشترک متعهد شده که همه‌ی ۱۹۶ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۲۰ درصد ذخیره‌شده‌ی خود را خنثی کند؛ یعنی نیمی از آن را به اکسید اورانیوم ۲۰ درصد تبدیل کرده و بقیه را به اورانیوم با غنای کمتر از ۵ درصد تبدیل کند. این یعنی از دست دادن مهم‌ترین ابزار چانه‌زنی در بخش فنی که دست گروه مذاکره‌کننده ایران را در مذاکرات جامع خالی خواهد کرد؛ ابزاری که در طول این مدت، از آن به عنوان پشتوانه‌ی قدرت فنی جمهوری اسلامی ایران نام برده می‌شد. معلوم نیست که در طول مذاکره برای دستیابی به توافق جامع، ایران از کدام ابزار فنی در ارتباط با موضوع غنی‌سازی برای پیشبرد مذاکرات سود خواهد جست؟ آیا کم کردن تعداد سانتریفیوژهای فعال در ایران، خواست بعدی ۱+۵ خواهد بود؟

۱۰- با خنثی کردن ذخیره‌ی غنی‌سازی اورانیوم با غنای ۲۰ درصد و تعلیق آن، توان ایران برای رسیدن به آنچه در ادبیات فنی به آن «ظرفیت حیاتی» یا «گریز هسته‌ای» گفته می‌شود، از دست می‌رود. این توان، با ایجاد بازدارندگی برای کشور، راه هر گونه فشار را برای عقب‌نشینی در برنامه‌ی هسته‌ای کشورمان به وسیله‌ی غرب را مسدود می‌کند.^۴

۱۱- با توجه به اینکه در متن توافق مشترک و در ذیل گام نهایی، برنامه‌ی غنی‌سازی ایران، با در نظر گرفتن معیارهای منطبق بر نیازمندی‌های عملی مورد موافقت ۱+۵ قرار گرفته است، این نگرانی وجود دارد که غرب زیر بار غنی‌سازی منطبق بر حقوق مصرح در NPT ورود و نیازهای ایران را «برآورده‌شده» قلمداد کند.

۳. باراک اوباما پس از توافق ژنو (۳ آذر ۱۳۹۲) اذعان کرد: رویکرد ما درباره‌ی این مذاکرات با این درک اساسی بوده است که ایران همانند همه‌ی کشورها بتواند به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز دسترسی پیدا کند؛ اما ایران به علت سابقه‌ی گذشته‌اش در نقض تعهداتش، باید محدودیت‌های شدید درباره‌ی برنامه‌ی هسته‌ای‌اش را بپذیرد تا از این طریق، امکان ساخت تسلیحات هسته‌ای در این کشور از این برود.

۴. اوباما در دهمین نشست سالانه‌ی مؤسسه‌ی سابان (اندیشکده‌ی بروکینگز) می‌گوید: ما می‌توانیم یک توافق نهایی را تصور کنیم که به ما اطمینان می‌دهد حتی اگر آن‌ها توانمندی ناچیز غنی‌سازی داشته باشند، این قدر محدود خواهد بود و بازرسی‌ها به حدی سرزده خواهند بود که به ظرفیت آستانه‌ی هسته‌ای نخواهند رسید.

۱۲- مطالعه‌ی برنامه‌ی اقدام مشترک نشان می‌دهد که بر طبق آن، غنی‌سازی در جمهوری اسلامی ایران، در گام نهایی به امور زیر محدود می‌شود:

تعریف مشترک طرفین از غنی‌سازی
اقدامات شفاف‌ساز که با توجه به فرازهای پایانی، می‌تواند شامل تصویب و اجرای پروتکل الحاقی هم باشد.
انطباق با نیازهای عملی.
محدودیت‌های مورد توافق در خصوص دامنه‌ی غنی‌سازی.
محدودیت‌های مورد توافق در خصوص سطح فعالیت غنی‌سازی.
محدودیت‌های مورد توافق در خصوص ظرفیت غنی‌سازی.
محدودیت‌های مورد توافق در خصوص محل‌هایی که در آن غنی‌سازی انجام می‌شود.
محدودیت‌های مورد توافق در خصوص ذخایر اورانیوم غنی‌شده.

۱۳- در متن توافق مشترک، نگاهی مبهم و متناقض نسبت به «حق غنی‌سازی» جمهوری اسلامی وجود دارد. در دو بخش از این متن به این مورد اشاره شده است:

- در مقدمه‌ی این برنامه آمده است: «راه‌حل جامع، ایران را قادر می‌سازد تحت مفاد مربوطه در معاهده‌ی منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) و برابر با تعهداتی که این مفاد برای این کشور ایجاد می‌کند، از حق بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز برخوردار شود.» یعنی با توجه به این نکته، حق غنی‌سازی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده است؛ اما بلافاصله، نکته‌ی توافق شده نقض می‌شود: «این راه‌حل جامع، دربرگیرنده‌ی یک برنامه‌ی غنی‌سازی مورد توافق دوطرف است که با اعمال محدودیت‌ها و اقدامات شفاف‌ساز به منظور حصول اطمینان از ماهیت صلح‌آمیز آن، همراه خواهد بود.» - همچنین در توضیحات مربوط به گام نهایی قید شده است: «مشخص ساختن حقوق و تکالیف اعضای معاهده‌ی ان‌پی‌تی و توافقنامه‌های پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.» و بلافاصله با آوردن عبارت «در پیش گرفتن یک برنامه‌ی غنی‌سازی مورد توافق دو طرف، با در نظر گرفتن معیارهای منطبق بر نیازمندی‌های عملی و نیز اعمال محدودیت بر گستره و سطح فعالیت‌های غنی‌سازی، ظرفیت آن، محل انجام آن و ذخایر اورانیوم غنی‌شده، برای مدت زمان مورد توافق.» امکان برخوردار بودن محدودیت از برنامه‌ی صلح‌آمیز هسته‌ای طبق معاهده‌ی NPT را از ایران سلب کرده و به تعبیر بهتر، یکی از خطوط قرمز ایران پشت سر گذاشته می‌شود.

به عبارت دیگر، حتی اگر حق غنی‌سازی ایران به رسمیت شناخته شده باشد، این حق چنان محدود و محصور شده که عملاً چیزی از برنامه‌ی غنی‌سازی ایران باقی نمی‌گذارد.

۱۴- جمهوری اسلامی معتقد است که غنی‌سازی اورانیوم منطبق بر ماده‌ی چهار NPT حق ذاتی و مسلم کشورهای عضو است؛ در حالی که در متن توافق، برنامه‌ی غنی‌سازی ایران باید مورد توافق دو طرف باشد؛ یعنی تعریفی که مورد رضایت اعضای ۱+۵ هم باشد. در این حالت، «حق

ذاتی ایران»، به توانایی «قابل تعریف» و «محدود» تبدیل خواهد شد.

۱۵- محدودیت‌هایی که در متن بر آن‌ها تصریح شده است، فراتر از NPT در نظر گرفته شده‌اند و قابل تفسیر خواهد بود. ماده‌ی چهار NPT محدودیتی جز تولید بمب و دسترسی بازرسان به شکلی که معاهده تعیین می‌کند، ندارد.

۱۶- در مورد نصب تأسیسات در اراک و البته نصب و فعال کردن سانتریفیوژهای جدید در فردو و نطنز، اگر عقب‌نشینی صورت نگرفته باشد، حتماً توقف مؤثری رخ داده است.

۱۷- در بخشی از مقدمه‌ی برنامه‌ی اقدام مشترک آمده است: «در فاصله‌ی میان گام‌های اولیه و گام آخر، گام‌های دیگری از جمله پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت با هدف پایان رضایت‌بخش بررسی موضوع توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود خواهد داشت.» در این ارتباط، به چند نکته اشاره می‌شود:

- جمهوری اسلامی در این متن تلویحاً اصالت قطعنامه‌های غیرقانونی شورای امنیت را پذیرفته است، مگر اینکه بتواند در طول مذاکرات کارشناسی، برای گام‌های میانی و نهایی، ترتیبی برای این موضوع بیندیشد.

- پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت، موضوعی مبهم و قابل تفسیر خواهد بود. با توجه به تفاسیری که مقامات آمریکایی تا کنون درباره‌ی این موضوع ارائه کرده‌اند،^۵ معلوم می‌شود که آن‌ها قائل به این موضوع هستند که جمهوری اسلامی باید به قطعنامه‌ها و موارد مندرج در آن عمل کند.

- «پایان رضایت‌بخش» از سوی چه مرجعی تأیید خواهد شد؟

- عمل به قطعنامه یعنی تصویب و اجرای پروتکل الحاقی، تعلیق غنی‌سازی ۵ درصد، تعلیق کامل و پایدار کلیه‌ی فعالیت‌های غنی‌سازی، تعلیق تمامی پروژه‌های آب سنگین و...

تحریم‌ها

۱۸- گروه ۵+۱ تعهد کرده است که هیچ تحریم جدیدی از سوی آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و شورای امنیت سازمان ملل بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران وضع نشود. اما نکته‌ی قابل تأمل این است که این کشورها یا نهادهای قانونی، این توانایی را خواهند داشت که تحریم‌های سابقاً اعمال‌شده را تشدید کنند. به این معنی که تفسیر مقامات غربی از تعهد توافق‌شده در برنامه‌ی اقدام مشترک به شکل «فربه‌سازی» مصوبات قبلی توسط مقامات اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا می‌تواند یکی از راه‌های نقض توافق باشد.^۶

۵. جان کری در جلسه‌ی کمیته‌ی سیاست خارجی نمایندگان مجلس (۱۹ آذر ۱۳۹۲) می‌گوید: ما معتقدیم این توافق طوری تنظیم شده که ایران پیش از رسیدن به توافق نهایی، باید قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را اجرا کند.

۶. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده‌ی آمریکا، در اقدامی هم‌زمان با دور اول مذاکرات کارشناسی ایران و ۵+۱ در وین، فهرستی جدید از شرکت‌ها و افراد را به لیست تحریم‌های ایران اضافه کرد.

۱۹- همچنین نکته‌ی قابل یادآوری این است که ۵+۱ متعهد شده هیچ تحریم جدیدی «علیه برنامه‌ی هسته‌ای ایران» وضع نکند، اما تعهد نداده است که در ارتباط با موضوعاتی نظیر حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر و سلاح‌های کشتار جمعی (شامل میکروبی، شیمیایی و هسته‌ای)، اعمال تحریم جدید در دستور کار آن‌ها قرار نگیرد.^۷

۲۰- در ارتباط با تحریم نفتی، ۵+۱ متعهد شده است:

«متوقف ساختن تلاش‌های بیشتر برای کاهش فروش نفت خام ایران به منظور فراهم آوردن اینکه مشتری‌های کنونی ایران حجم متوسط خرید نفت خام خود از ایران را از سر گیرند. امکان بازگشت حجم مورد توافقی از عواید مسدودشده در خارج از کشور. برای این فرآیند فروش نفت، تحریم‌های مربوطه‌ی اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا برداشته خواهد شد و خدمات بیمه و حمل‌ونقل با آن همراه خواهد بود.»

در این مورد باید به چند نکته توجه شود:

این تحریم‌ها در حوزه‌ی «تولید نفت» نبوده و در بخش فروش، تعلیق نسبی می‌شوند. به این معنی که تحریم‌های یک‌جانبه‌ی آمریکا موسوم به ILSA که از ۱۹۹۶ اعمال می‌شود، هنوز به قوت خود باقی است و نه تنها تغییری در تعلیق یا تخفیف آن صورت نگرفته، بلکه در سال‌های اخیر قوت گرفته است. طبق این تحریم، سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنایع نفت ایران ممنوع است.

قانون اختیارات دفاع ملی ۲۰۱۲ و دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ (فوریه ۲۰۱۲)، کشورهای واردکننده‌ی نفت ایران را ملزم می‌کند تا در بازه‌های شش‌ماهه، از میزان خرید نفت خود از ایران بکاهند. البته در این قانون، به برخی کشورها به شکل موقت، معافیت تعلق می‌گیرد. تعهد ۵+۱ نسبت به «توقف تلاش برای خرید نفت خام ایران به نحوی که مشتریان فعلی بتوانند میانگین میزان کنونی نفت خام خود از ایران را کماکان ادامه دهند.» به نحوی می‌تواند برای طرفین توافق، بهره‌ای در بر داشته باشد. از یک سو، به ایران در فروش نفت در بازارهای جهانی کمک می‌کند و از سوی دیگر، کاهش نیافتن عرضه‌ی نفت ایران می‌تواند ثباتی مؤثر برای بازار پرتقاضای زمستانی، که بیش از ده میلیون بشکه در روز به میزان تقاضای آن در فصل سرما افزوده می‌شود، به ارمغان آورد.

آمریکا هیچ پول بلوکه‌شده‌ای از ایران را آزاد نمی‌کند. حتی عواید حاصل از فروش نفت ایران در مدت شش‌ماهه‌ی توافق نیز به جمع پول‌های بلوکه‌شده افزوده می‌شود. تنها «حجم مورد توافقی از عواید مسدودشده در خارج از کشور» بازخواهد گشت. در متن توافق مشترک، اشاره‌ای به میزان این حجم مورد توافق نشده است، اما در بیانیه‌ای که کاخ سفید منتشر کرده، عنوان شده است که از مجموع حدود ۲۰ میلیارد دلار عوایدی حاصل از فروش نفت، فقط ۴/۲ میلیارد دلار از آن به ایران اختصاص داده خواهد شد.^۸ این موضوعی است که البته از سوی مقامات ایرانی

۷. وندی شرمز در سخنرانی در کمیته‌ی بانکی سنا در تاریخ (۲۱ آذر ۱۳۹۲) می‌گوید: «کنگره از نظر تئوریک می‌تواند تحریم‌های جدیدی را علیه این کشور وضع کند... ما باید بینیم ادبیات ویژه مورد استفاده در این تحریم‌ها چیست... تنها تعهدی که ما در این توافق داده‌ایم این است که تحریم جدیدی در ارتباط با پرونده‌ی هسته‌ای وضع نکنیم.»
 ۸. جان کری وزیر امور خارجه‌ی آمریکا می‌گوید: جامعه‌ی بین‌المللی بخش‌هایی از تحریم‌ها را برمی‌دارد و این تحریم‌ها طوری است که دوباره می‌توان آن‌ها را اعمال کرد. ۴/۲ میلیارد دلار از درآمدهای ایران که طبق تحریم‌های بین‌المللی در کشورهای خارجی بلوکه شده بود، آزاد می‌شود و ایران می‌تواند به آن‌ها دسترسی داشته باشد... مهندسی اصلی بر روی تحریم‌ها همچنان ادامه دارد که شامل نفت و سرویس‌های مالی خواهد بود. در این شش ماه، تحریم نفتی جای خودش می‌ماند که همین تحریم‌ها ۲۵ میلیارد دلار درآمد ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق این توافق، ایران به ۴/۲ میلیارد دسترسی پیدا می‌کند، ولی ۱۶ میلیارد دلار از فروش نفت ایران بلوکه است (خبرگزاری فارس، ۳ آذر ۱۳۹۲).

نیز تأیید شده است.^۹

همچنین این توافقنامه هیچ تأثیری بر تحریم‌هایی که به تحریم‌های بانکی معروف شده‌اند، نخواهد گذاشت. طبق «قانون اختیارات دفاع ملی»، که در دسامبر ۲۰۱۱ به امضای رئیس‌جمهور آمریکا رسید، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند یک طرف تراکنش بانکی قرار گیرد. از سوی دیگر، دستور اجرایی ۱۳۶۲۲ مصوب جولای ۲۰۱۲، تجارت طلا با ایران را که به عنوان راه مقابله با «قانون اختیارات دفاع ملی» مطرح شده بود، ممنوع کرد. در نتیجه، پول‌های حاصل از مراودات بین‌المللی با کشورها و شرکت‌های خارجی، در حساب کشور مزبور نگه‌داری می‌شد که ایران هم نمی‌توانست به آن‌ها دست یابد. در نتیجه با لغو نشدن قوانین فوق در متن توافق مشترک، تحریم‌های فوق به قوت خود باقی خواهد ماند.

۲۱- گروه ۵+۱ متعهد شده است تحریم «طلا و فلزات گران‌بها و نیز تحریم‌های مربوط به خدمات مرتبط با آن‌ها» را تعلیق نماید. این تعلیق شش‌ماهه احتمالاً تأثیر چندانی بر اقتصاد ایران نخواهد داشت. تا زمانی که پول‌های حاصل از فروش نفت ایران، طبق قانون «کاهش تهدید ایران» بلوکه شده و به دست ایران نمی‌رسد، خرید و فروش طلا توسط ایران با چه سرمایه‌ای امکان‌پذیر خواهد بود؟^{۱۰}

۲۲- گروه ۵+۱ متعهد شده است تحریم «صادرات پتروشیمی ایران و نیز تحریم‌های مربوط به خدمات مرتبط با این صادرات و نیز صنعت خودروسازی ایران و تحریم‌های مربوط به خدمات مرتبط با این صنعت» را تعلیق کند. پیش‌بینی می‌شود در ارتباط با تعلیق تحریم‌های طلا، پتروشیمی و صنعت، حدود ۱/۵ میلیارد دلار درآمد کشور باشد.^{۱۱}

دسترسی‌ها

۲۳- جمهوری اسلامی طیف وسیعی از دسترسی‌ها را مبتنی بر اصل «اعتمادسازی»^{۱۲} و شفاف کردن فعالیت‌های خود فراهم کرده است. دسترسی‌هایی که می‌تواند از حیث فنی، امنیتی و... واجد تهدیداتی برای ایران باشد.

برخی از این تعهدات فراتر از NPT بوده و حتی بعضاً مبتنی بر مواد پروتکل الحاقی و کد ۳/۱ است.

۹. وندی شرم، معاون وزیر امور خارجه‌ی آمریکا نیز در کمیته‌ی بانک‌داری سنا (۲۱ آذر ۱۳۹۲) می‌گوید: «ما آماده‌ایم که به ایران اجازه‌ی دسترسی به ۴/۲ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدودشده‌اش را بدهیم. البته نه به صورت یک‌باره، بلکه این مبلغ اختصاص داده‌شده ماهانه و به طور همگام با روند پیشرفت قابل‌راستی‌آزمایی در عمل به تعهدات هسته‌ای‌اش در اختیار این کشور گذاشته خواهد شد.»

۱۰. حمید بعیدی‌نژاد، عضو تیم مذاکره‌کننده‌ی هسته‌ای کشورمان، در مصاحبه با ایسنا (۳۰ آذر ۱۳۹۲) می‌گوید: بر اساس توافق ژنو، قرار است از مجموع یک میلیون بشکه، عواید ۲۰۰ هزار بشکه از صادرات کشور که قرار بوده است کاهش یابد، در اثر اجرای برنامه‌ی اقدام مشترک کاهش نخواهد یافت و با تعیین سازوکار مشخص و به طور نقد به ایران پرداخت می‌شود... عواید ناشی از فروش ۲۰۰ هزار بشکه نفت، برای مدت شش ماه حدود ۳/۶ میلیارد دلار است. اما با اضافه شدن هزینه‌ی یکی دیگر از زمینه‌هایی که تأمین آن از عواید نفتی کشور در خارج مورد قبول آن‌ها بود، ولی جزئیات آن با پیچیدگی‌هایی همراه شد، این مبلغ برگشتی به ۴/۲ میلیارد دلار بالغ گشت.

۱۱. وندی شرم، معاون وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، در کمیته‌ی بانک‌داری سنا (۲۱ آذر ۱۳۹۲) می‌گوید: «تعلیق تحریم‌ها در مورد طلا و فلزات گران‌بها به ایران اجازه‌ی دسترسی به دارایی‌های مسدودشده برای خرید طلا و فلزات گران‌بها را نمی‌دهد، بلکه به ایرانی‌ها اجازه می‌دهد که طلا و فلزات گران‌بها را صادر یا وارد کنند.»

۱۲. وندی شرم، معاون وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، در کمیته‌ی بانک‌داری سنا (۲۱ آذر ۱۳۹۲) می‌گوید: «ما تخمین می‌زنیم که ایران در حدود یک‌ونیم میلیارد دلار از این روش بر اثر تعلیق موقت این تحریم‌ها کسب کند.»

۱۳. حمید بعیدی‌نژاد، عضو تیم مذاکره‌کننده‌ی هسته‌ای کشورمان در مصاحبه با ایسنا (۳۰ آذر ۱۳۹۲) می‌گوید: ما اعتمادسازی‌هایی کرده‌ایم و دسترسی‌های بیشتری داده‌ایم. در قبال آن، آن‌ها باید قطعنامه‌ها را بردارند و موضوع هسته‌ای ایران را عادی کنند. کم در برابر کم در کوتاه‌مدت، زیاد در برابر زیاد در درازمدت.

این در حالی است که وندی شرم، معاون وزیر خارجه‌ی آمریکا، در مصاحبه با العربیه (۱۷ آذر ۱۳۹۲) می‌گوید: «آمریکا بر بازرسی‌های سرزده از تأسیسات هسته‌ای ایران تکیه دارد و بر اساس اعتماد به ایران برای کاهش برنامه‌ی هسته‌ای پیش نمی‌رود. ایران حتی در گام اول بازرسی‌های سرزده را در دستور کار خود قرار داده است.»

با توجه به اینکه آژانس در سال‌های گذشته ثابت کرده که حتی اطلاعات محرمانه‌ی کشورهای عضو را در اختیار برخی کشورهای خاص قرار می‌دهد، دسترسی به اطلاعاتی مانند فهرست معادن و شرکت‌های نورد اورانیوم، طرح‌هایی که در آینده اجرایی خواهد شد، کاربرد ساختمان‌ها، کارگاه‌های مونتاژ و تولید چرخنده‌ی سانتریفیوژ و... از سویی می‌تواند بهانه‌هایی جدید برای جلوگیری از پیشرفت هسته‌ای کشورمان را ایجاد کند و از سوی دیگر، امکان هر گونه خرابکاری علیه تأسیسات ایران را فراهم نماید.